

از نگاه دیگری





وَاللَّهُ وَكَلَّمَ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

هجرت سرای پیامبر

ایوب صبری پاشا / علی اکبر مهدی پور

از کتاب دیگر

گفتمان مسافرتهاى تجارتيِ تابستاني و زمستاني^۱ در باره اسباب تجارت و شیوه عبادت و اطاعت ساکنان هجرت سرای پیامبر گرامی ﷺ و زائران آن، به منظور تبیین احترام ویژه و رعایت آشکار حریم آن است.

آب و هوای هجرت سرای پیامبر ﷺ

هوای شهر مقدس مدینه منوره، در ایام تابستان بسیار گرم و نزدیک به گرمای مکه معظمه، ولی در فصل زمستان سرد می باشد.

باران رحمتی که در فصل زمستان پیرامون مدینه می بارد، در دشت و صحرا امواج خروشانى چون امواج دریای عمان پدید می آورد، ولی آسمان مدینه در هر دو فصل تابستان و زمستان بسیار صاف و شفاف، شبیه شب های بدر دیگر بلاد است؛ به طوری که در آمد و شد شبانه، نیازی به فانوس نیست و تنها برای اشراف و سادات، آن هم تنها برای احترام، فانوس روشن می کنند.



گرما و سرمای هوا

شهر زیبا و دلربای مدینه در وسط یک وادی وسیع و گسترده، در میان رشته کوه ها

قرار گرفته است. از این رهگذر، درجه حرارت و برودت آن، یک نواخت نمی باشد و گرم ترین ایام آن، دو ماه «حزیران» و «تموز» می باشد.^۲

در این دو ماه، روزه روز بر گرمای هوا افزوده می شود. از اول «اغسطس»^۳ رو به کاهش نهاده تا آخر «کانون اول»^۴ این کاهش ادامه می یابد. از اوایل «کانون ثانی»^۵ رو به افزایش می گذارد و در روزهای گرم، میزان حرارت به ۳۲ درجه می رسد.

بر اساس میزان الحرارة «رومیر»^۶ از آغاز «کانون اول» تا پایان «شویباط»^۷ هوا به شدت سرد می شود. در شویباط حدًا کثر حرارت هوا به ۱۵ درجه می رسد. از آخر شویباط، رو به گرمی نهاده، در «نیسان»^۸ به طور متوسط ۱۳، در «مابیس»^۹ ۱۴، در «حزیران» و «تموز» به ۱۷ درجه افزایش می یابد.

بر این اساس، متوسط حرارت در «مارت» ۱۹، در «نیسان» ۲۸، در «مابیس» ۲۹ و در «حزیران» ۳۲ درجه می باشد و تا پایان «تموز» در همان حال باقی می ماند.^{۱۰}

پس از سپری شدن «تموز»، خرما به صورت رطب در می آید. انبارها را برای چیدن و انباشتن خرما مهیا می کنند. حرارت هوا رو به کاهش نهاده، در ماه «اغسطس» به ۲۸ درجه، در «ایلول»^{۱۱} ۲۵، در «تشرین اول»^{۱۲} ۳۲، در «تشرین ثانی» تا ۱۱ درجه کاهش می یابد. بدین سان هوا کاملاً خنک می شود. در «کانون اول» بادهای سرد می وزد و حالت زمستانی پدید می آید.

به روایت اهالی مدینه، زائرنانی که در این موسم به زیارت حضرت رسالت پناه مشرف می شوند، در اثر سرمای هوا دستهایشان ترک می خورد و خون از آنها جاری می شود؛ نگارنده این وضع را در تشرّف خود به آن شهر تجربه نمود.

اهالی مدینه در فصل گرما، در طبقات بالای خانه ها و در فصل سرما در سرداب و یا طبقات پایین منازل خود ساکن می شوند، اما افراد توانمند در فصل تابستان به جاهای خوش آب و هوا می روند و و این ایام را در باغها و قصرهای ییلاقی خود، می گذرانند. ارقامی که در سطور بالا ارائه شد و همچنین ارقامی که در جدول زیر می آید، درجه حرارت اتاقهای سقف دار و اماکن سرپوشیده می باشد. اگر میزان الحرارة در اماکن غیر مسقف نصب شود، ارقام بالاتری را نشان می دهد.

بر اساس گفته های اهالی مدینه، مقدار گرما و سرمای این شهر، در طول سالها،

یک نواخت نیست و در برخی سالها گرمای بیشتری را تجربه می کنند.
در جدول زیر میزان حرارت و برودت هجرت کده نبی مکرم، در سال ۱۲۸۳ ه.ق.
ارائه می شود:

مارت (مارس)	۱۷ - ۱۹ درجه
نیسان (آوریل)	۲۸ - ۲۹ درجه
مابیس (می)	۲۸ - ۲۹ درجه
حزیران (ژوئن)	۳۰ - ۳۲ درجه
تموز (جولای)	۳۲ - ۳۳ درجه
آغطس (اوت)	۲۷ - ۲۸ درجه
ایلول (سپتامبر)	۲۴ - ۲۵ درجه
تشرین ۱ (اکتبر)	۲۱ - ۲۳ درجه
تشرین ۲ (نوامبر)	۱۱ - ۱۳ درجه
کانون ۱ (دسامبر)	۱۰ - ۱۱ درجه
کانون ۲ (ژانویه)	۱۱ - ۱۲ درجه
شویاط (فوریه)	۱۲ - ۱۵ درجه

از نگاه دیگر

سبزیجات و میوه جات

بر اساس مشاهدات نگارنده در بازارها و میادین و اظهار نظر آگاهان، چهار گیاه:
لحنه، قرین بهار، پورا صه و انگنار (کنگر) در مدینه منوره یافت نمی شود، به جز اینها
همه انواع سبزیجات و میوه جات، از قبیل: انار، انجیر، انگور، خربزه، هندوانه، پرتقال،
لیمو، نارنج، سیب، شفتالو، موز و همه اقسام خرما به جز وهله، یشنه و کراز، در همه
فصول به وفور یافت می شود.^{۱۳}



اقسام خرما

در مناطق شمال، جنوب و غرب هجرت سرای نبوی، باغهای بزرگ و کوچک
فراوان هست که مهم ترین و مشهورترین محصول آنها خرما است.

خرمای مدینه، گذشته از مرغوبیت و شیرینی، از نظر کثرت محصول نیز در هیچ نقطه‌ای از جهان به این وفور یافت نمی‌شود.

خرمای مشهور به «بلدی» از نظر حلاوت، مرغوبیت، لذت و طعم، بر همه خرماهای جهان برتری دارد.

خرمای مدینه عمدتاً به دو قسم زرد و سرخ تقسیم می‌شود؛ از این دو قسم، بیش از ۹۰ نوع خرما با ویژگی‌های خاص خود شناسایی شده و معروفیت دارد.

گفته می‌شود اگر از هر نوع خرمای مدینه یک عدد هسته گردآوری شود، چهار - پنج «اُقه»^{۱۴} خواهد شد.

گرچه خواص و ویژگی‌های هر یک از انواع خرماها در کتابهای قدما به تفصیل بیان شده، اما بیشتر آنها در زمان ما به بوته فراموشی سپرده شده است. آنچه امروزه از اقسام خرمای قرمز در خاطره‌ها موجود است، عبارت است از:

عجوه، حلوه، عنبر، چلبی، جبلی، حلیه، ریحان، غراب، شرقیه، کعیق، صباوه، سخل (بدون هسته)، براطعم العیید، قند، بعیبع و جاوی.

و آنچه از اقسام خرمای زرد بر سر زبانها است، عبارتند از:

تبرجلی، بالطه‌جی، افندیه، سگری، رباغی، سبع، جعفری، سویده، بیض، ربق‌البنات، مشوق، برنی، خضریه، مجهولی، لبانه، تمره، هرمزی، شقری، زهرا و صیحانی.

این اقسام ۳۶ گانه در مدینه منوره به وفور یافت می‌شود و هر کدام با نام و نشان در میان اهالی مدینه معروف و مشهور است و انواع دیگر را «لون» می‌نامند.

اقسام خرماها از نظر رشد و کمال، از لحظه‌ای که شکوفه می‌زند تا هنگامی که به کمال مطلوب می‌رسد، به نام‌های: طلع، خلال، بلاح، زهو، بُسره، رُطب و تمر نامیده می‌شوند.

گذشته از اقسام ۳۶ گانه، نوع دیگری از خرما در مدینه یافت می‌شود که به آن «قِلاد» گویند. از این نوع، هم سرخ و هم زرد یافت می‌شود. «قِلاد» جمع «قِلادَه»، به معنای گردن‌بند می‌باشد. این خرما هنگامی که هنوز نارس است، از درخت چیده می‌شود. هر ۳۰ - ۴۰ دانه آن را با نخ می‌بندند. بچه‌های عرب آنها را به سان گردن‌بندی زرین، از

گردن خود می‌آویزند. به جهت شیوع و همگانی بودن این عمل، این خرما به «قلاد»
به معنای «گردنبند» شهرت یافته است.

خرمای قلاد مقبول‌ترین نوع خرما در میان اعراب است؛ لذا بچه‌های عرب در
موسم حج، ۱۰ - ۲۰ نخ از آنها را به گردن آویخته، به استقبال حاجی که از نزدیکی
روستاهایشان در حال گذر هستند، می‌شتابند و موجودی خود را به آنها می‌فروشند و
شادان و خرامان به خانه‌های خود برمی‌گردند.

مراحل تکاملی خرما

اهالی مدینه، از تمام مراحل تکاملی خرما، تنها به شمارش هفت مرحله آن بسنده
می‌کنند و باید گفت که از نظر آگاهان و افراد آشنا به امور نخل و خرما، یک خرما از
زمانی که از شکوفه بیرون می‌آید تا هنگامی که به صورت «تمر» درآید، دوازده مرحله را
طی می‌کند که به ترتیب عبارتند از:

۱. **طلع**؛ بادیه‌نشینان هنگامی که شکوفه خرما به صورت دانه‌های ریز خودنمایی
کند، آن را «طلع» می‌نامند و آن را نخستین مرحله از مراحل دوازده گانه می‌شمارند.
شکل اولیه این شکوفه‌ها، به صورت یک دانه دوپوسته‌ای است که بر روی هم قرار
دارند و میوه آن به شکل دراز، ولی ناپیدا در میان این دو پوسته قرار دارد.

**خرمای مدینه عمدتاً به دو قسم زرد و سرخ تقسیم
می‌شود؛ از این دو قسم، بیش از ۹۰ نوع خرما با
ویژگی‌های خاص خود شناسایی شده و معروفیت دارد.**

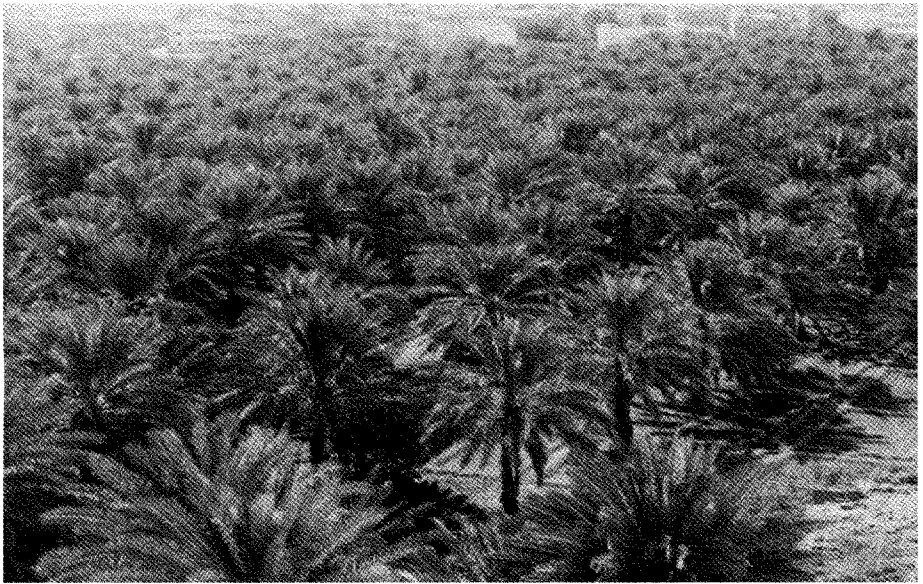
۲. **سبابه**؛ و آن هنگامی است که از حالت شکوفه بیرون آمده، به صورت خرمای
نارس (چاغاله) درآید.

۳. **سراد**؛ و آن هنگامی است که چاغاله خرما رو به سبزی بگذارد. در این حالت
عطر بسیار لطیفی از آن به مشام می‌رسد، آن را «خلال»، «جدال» و «جداله» نیز می‌نامند.

۴. **بغوه**؛ در مرحله‌ای است کاملاً کال و نارس باشد.

۵. **بُسر**؛ زمانی است که رنگ خرما به خود گرفته، ولی همچنان نارس باشد.





۶. **مُحَطَّم**؛ در مرحله‌ای است که خط‌هایی بر روی آن ظاهر می‌شود.

۷. **تَدْنُوب**؛ در این مرحله محل اتصال خرما به خوشه، به رنگ رسیده درمی‌آید.

۸. **جَمَسَه**؛ در مرحله‌ای است که همه جوانب خرما به رنگ رسیده درآمده، ولی

هنوز برای خوردن مناسب نیست.

۹. **ثَعْدَه**؛ مرحله آغاز سرخ شدن خرما است و در این مرحله خرما به رنگ

دیده می‌شود.

۱۰. **خَالَع و خَالَعَه**؛ و آن زمانی است که خرما به صورت معتدل درآمده، در آستانه

رطب شدن باشد.

۱۱. **رُطَب**؛ این مرحله لذیذترین و لطیف‌ترین مرحله خرما برای خوردن است.

۱۲. **تَمَر**؛ و آن هنگامی است که دوران رطب شدن را سپری نموده، گام در مرحله

خرمای اصطلاحی می‌گذارد. در این مرحله خرما به آخرین مرحله از مراحل دوازده‌گانه

رسیده، آماده چیدن و انتقال به انبار می‌باشد.

باغهای عیون

در عرف اهل مدینه، به همه باغها و بستانهایی که در آنها خرما و یا هر نوع میوه‌جات

و سبزیجات به عمل آید، باغهای «عیون» می‌گویند.

هر باغ عیون ۵۰۰ الی ۶۰۰ قطعه زمین را دربرمی‌گیرد. این باغها تفرجگاه اهالی مدینه است و فاصله آنها تا شهر مدینه حدود یک ساعت است.

آب و هوای این باغها بسیار لطیف و دلنواز است. در هر باغی چند حوض بزرگ وجود دارد که توسط اشتران و گاوآبکش، از چاه‌ها آب می‌کشند و آنها را پر می‌کنند.

در این باغها برای تأمین علوفه اغنام و احشام، یونجه می‌کارند. اگرچه همه این باغها سند رسمی و صاحبان مشخصی دارند، ولی گروهی از اعراب «سواعد»، «سعادین» و «تمیم» در موسم محصول، به این باغها یورش می‌برند و با توسل به زور، آنها را صاحب می‌شوند و میوه‌جات و اشیای موجود را به یغما می‌برند و بر صاحبان باغ که در آن موسم، در قصرهای باغ سکونت دارند، آزار می‌رسانند.

ثقیب الذیب

در دامنه کوه اُحد، حد فاصل احد و باغهای عیون، راه باریکه‌ای است که آن را «ثقیب الذیب» یا سوراخ گرگ می‌نامند.

این مهاجمان گستاخ و بی‌باک، در این منطقه کمین کرده، بر کاروانهای تجارتي، حاملان ارزاق، به‌ویژه صاحبان گله‌های گوسفند حمله نموده، اموال آنها را غارت می‌کنند.

کاروانهایی که از شرق حجاز، کالاهای تجارتي؛ مانند روغن، حبوبات، دام و ارزاق حمل می‌کنند، راه دیگری ندارند و باید از این تنگه بگذرند و لذا اشیای چپاولگر در این منطقه مستقر می‌شوند.

برای حفاظت و حراست از اموال صاحبان باغ و کالاهای تجارتي از چپاول اعراب مهاجم، همه‌ساله تدبیرهای لازم از سوی دولت و اعیان و اشراف گرفته می‌شود. مأموران مسلح بسیج شده، تلاش‌های فراوان انجام می‌دهند، ولی تاکنون نتیجه مطلوب به‌دست نیامده و کاروانها از خطر مهاجمان رهایی نیافته‌اند و هیچ سالی بدون درگیری سپری نشده است.

از این رهگذر، از سوی پادشاه عثمانی، محافظان کارآموده و توانمندی به‌سوی



هجرت کده پیامبر گسیل می شود تا با تلاش شبانه روزی، در حفاظت و حراست از اهالی عیون و صاحبان کالاهای تجارتی تلاش کنند.

فرماندهی این گروه اعزامی را «میرلوا احمد فاضل پاشا»^{۱۵} بر عهده دارد.

نیروهای اعزامی، کوه‌های محیط بر باغهای عیون را دقیقاً بررسی کرده، طرح تأسیس قلعه‌ای در گردنه «ثقیب‌الذیب» و تأسیس برج مراقبتی در نزدیکی آن، روی دامنه کوه و بنیاد قرارگاهی برای سکونت افراد پیاده و سواره پیشنهاد کردند. اعیان و اشراف مدینه از این طرح استقبال کردند و وعده دادند که از هیچ‌گونه همکاری و بذل مساعی کوتاهی نکنند.

قلعه حمیدیه

نیروهای اعزامی با مساعی جمیله و مساعدت جلیله سادات و اشراف مدینه، نقشه و کروکی باغچه‌ها و کوه‌های محیط بر آنها را تهیه نموده، به مرکز عثمانی فرستادند و اجازه تأسیس قلعه‌ها و برج مراقبت را گرفتند.

احمد فاضل پاشا مورد تشویق دولت مرکزی قرار گرفت و لوح سپاسی به نام او ارسال گردید. از سوی اهالی مدینه نیز مورد تأیید و تقدیر واقع شده، پول و امکانات لازم، به مقدار کافی در اختیارش گذاشته شد.

قلعه‌ها و برج مراقبت به سال ۱۲۹۷ ه. ق. به نام پادشاه^{۱۶} (قلعه حمیدیه) در نقاط تعیین شده تأسیس گردید و اهالی مدینه و کاروانهای تجارتی به این وسیله از شر اشقیای مهاجم‌رهایی یافتند.

هزینه این استحکامات و بناها، از کیسه فتوت و اعانات توأم با حمیت و غیرت اهالی مدینه منوره، به ویژه صاحبان باغهای عیون تهیه و تقدیم گردید.

مردم فداکار و ایثارگر مدینه، مبلغ ۹۷۴۹۷/۵ غروش^{۱۷} گرد آورده، در اختیار فرمانده لشکر اعزامی، میرلوا احمد فاضل پاشا قرار دادند. او نیز با تلاش شبانه‌روزی، این مراکز دفاعی را به اسلوب لازم بنیاد نهاد.

نام همه کسانی که به این پروژه کمک کردند و در فراهم شدن هزینه آن مشارکت نمودند، با ریز کمک‌های آنان، از سوی نماینده عالی رتبه احمد فاضل، مسؤول اسرار

نظامی، تهیه شد و به آگاهی احمد فاضل رسید و در روزنامهٔ عسکریه، شمارهٔ ۱۳۰۸ به عنوان ماده واحده‌ای ثبت گردید. متن این ماده واحده به شرح زیر است:

در مدینه منوره، در دامنهٔ کوه احد، در آخرین حدود باغهای عیون، در تنگه «ثقیب الذیب» در میان شهر مدینه و قلعهٔ حمیدیه، که قبلاً به هزینهٔ اهالی محترم مدینه تأسیس شده، در کنار جادهٔ ارتباطی، استحکاماتی مشتمل بر یک توپ سه‌دهنه و قرارگاهی که دو تیپ لشکر پیاده را در خود جای دهد، ضروری به نظر رسید و برای این منظور، هیأت نظار محلی را مورد بازدید قرار داده، مراسم کلنگ‌زنی و پی‌کنی آن، با تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید و ذبح قربانی به منظور سلامتی وجود پادشاهی انجام یافت.

هزینهٔ آن به مبلغ ۹۷۴۹۷/۵ غروش از سوی اهالی خیر و متدین مدینه تأمین و در اختیار «میرلوا احمد فاضل پاشا» قرار گرفت.

ایشان از این همه احساسات، عواطف، ایثار و فداکاری اهالی، صمیمانه تشکر نمود و سپاس گفت.

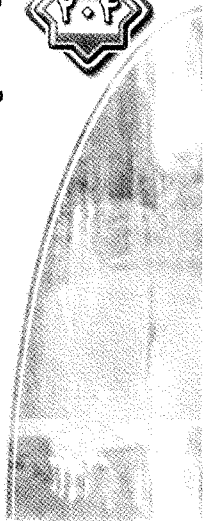
اوزان و مقادیر

در میان اهالی مدینه، اوزان و مقادیر متنوعی موجود نیست. آنها خرما و برنج را با «کیله» (پیمانه‌ای خاص)، روغن را با «بادیه»، دیگر حبوبات را با «ازدب»^{۱۸} و سبزیجات را با «من» خرید و فروش می‌کنند. نرخ ارزاق در این ایام به شرح زیر است:

برنج هر کیله ۳۰۰ درهم. خرما هر کیله یک و نیم «اوقه»^{۱۹}. روغن هر بادیه ۱۱ تا ۱۲ اوقه و حبوبات هر اردب (۲۴ صاع) ۱۲۰ اوقه و سبزیجات هر من ۲۰۰ درهم می‌باشد.

سیرهٔ سلوکی اهالی مدینه

برای اهالی مدینه چیزی از حقوق و عطا یا که وسیلهٔ امرار معاش باشد، وجود ندارد. اهالی مدینه، چنانکه از مجاوران حرم نبوی انتظار می‌رود، همگی با اخلاق شایستهٔ خداپسند متخلّق هستند، بزرگ و کوچک آنها مشغول عبادت و اطاعت‌اند، از دنیا به اندک قانع، همواره به شکر و سپاس حق تعالی ناطق، روزی پنج بار سجاده بردوش،



تسبیح به دست، در حالی که به نام خداوند جلیل مترنم هستند، برای ادای فرایض به حریم نبوی عزیمت کرده، پس از ادای فرایض در حرم نبوی مکرم، و زیارت قبر مطهر پیامبرگرامی ﷺ به خانه‌های خود بازمی‌گردند.

از عهد قدیم در میان اهل مدینه مراسم ویژه‌ای به‌عنوان اهدای گندم به آستانه مبارکه نبویه، به‌منظور جلب نظر و عنایت ویژه آن حضرت رایج است.

اهالی مدینه با یکدیگر همچون اعضای یک خانواده، در اوج صفا و صمیمیت زندگی می‌کنند.

به هنگام تشریف‌فرمایی رسول الله، از مکه معظمه به سوی مدینه منوره، اهالی مدینه به استقبال آن حضرت شتافتند. دو دخترک از قبیله «بنی نجار» در دهکده قبا، با خواندن اشعار نغز و پرمغزی، مقدم آن حضرت را گرامی داشتند.

این شیوه پسندیده و سیره ستیبه تاکنون در میان آنها رایج و در سلوک رفتاری آنها مشهود است. همگی مهربان، میهمان‌نواز، خوش‌برخورد و خنده‌رو می‌باشند.

آنها ادب در گفتار، نزاکت در کردار، درایت در پندار و حسن سلوک در رفتار را به دقت رعایت می‌کنند. از عفت نفس و غنای طبع در سطح بسیار والایی برخوردار می‌باشند. از کودکان یتیم و بانوان بی‌سرپرست به نحو شایسته‌ای مراقبت می‌کنند و در ابراز محبت، فرقی میان توانمند و مستمند نمی‌گذارند.

آنها دروغ نمی‌گویند. از جاده عفاف و تقوا منحرف نمی‌شوند. از فصاحت خاصی در گفتار و ملاحظت ویژه‌ای در رخسار برخوردار هستند. در سخن کسی را نمی‌آزارند و زبان به تملق و هرزه‌گویی نمی‌آیند.

در همه احوال، توفیق تطبیق گفتار و کردار خود را با سیره ستیبه حضرت ختمی مرتبت، در خود ایجاد کرده، در احیای سلوک پسندیده آن حضرت می‌کوشند.

در هر فرصتی به حجره شریفه نبوی تشریف پیدا کرده، با یک دنیا اخلاص و تضرع، حوائج خود را به پیشگاه خداوند معروض می‌دارند و از روح مطهر نبوی مکرم استمداد می‌جویند و به آمال و آرزوهای مادی و معنوی خویش نایل می‌شوند.

از آداب کهن و عادات دیرینه اهالی مدینه است که هرازچندی به آغوش طبیعت رفته، در بستانها و باغستانها به تفرّج می پردازند و از هوای لطیف و مناظر زیبای طبیعت درس صفا و وفا می آموزند.

اهالی مدینه هفته‌ای دوبار، روزهای جمعه و سه‌شنبه، پس از ادای نماز ظهر، دسته دسته به تفرّجگاه می روند و به گردش گروهی می پردازند و این گردش دسته جمعی را «مقیال» می نامند.^{۲۰}

هریک از اهالی در حد توان، غذاهای لذیذ تهیه کرده، به مجرد رسیدن به محلّ مورد نظر، سفره‌ها را می گسترند و رهگذران را به سر سفره فرا می خوانند و با شور و نشاط زاید الوصفی به تناول غذا می پردازند.

در طول زندگی، هر روز برای آنها روز عید و هر شب برایشان همانند لیلۃ القدر است. آنها از فقیر و غنی هرگز غم و اندوهی به نهان‌خانه دل راه ندهند و در زیر سایه نبی مکرم ﷺ آنچنان با نشاط زندگی می کنند که مورد غبطه همگان اند.

آنها اگرچه به جز محصول باغستان و نخلستان، درآمدی ندارند، لیکن قسمتی از آن را برای استفاده خود منظور کرده، با قسمتی دیگر حبوبات و مأكولات وارده از بیرون مدینه را تهیه می کنند و زندگی بسیار آرامی را پشت سر می گذارند و مبتمندان آنها چون توانمندان دیگر بلاد اداره می شوند.

برای هریک از آنها هدایای فراوانی از بلاد مختلف می آید که بخش مهمی از زندگی آنها با این هدایا تأمین می شود و اگر این هدایا وافی نبود، از یکدیگر قرض می گیرند و در پایان سال، از محضر انور نبی مکرم ادای دیون خود را طلب می کنند و از برکت عنایات بیکران آن حضرت قرض های خود را ادا می کنند.



مراسم ویژه اهدای گندم به آستانه منوره

از عهد قدیم در میان اهل مدینه مراسم ویژه‌ای به عنوان اهدای گندم به آستانه مبارکه نبویه، به منظور جلب نظر و عنایت ویژه آن حضرت رایج است. آنها معتقدند اگر کسی این شیوه را ترک کند، تا سال آینده قادر به پرداخت دیون خود نخواهد شد.

مراسم تقدیم گندم منحصراً در شب ۱۷ ذی قعدة الحرام انجام می شود.^{۲۱} اهالی مدینه سعی می کنند که در طول سال قرضی از دوستان و آشنایان بگیرند و در شب ۱۷ ذی قعدة دینی برگردن داشته باشند، آنگاه مقداری گندم تهیه کرده، در میان نماز مغرب و عشا به آستان ملک پاسبان حضرت ختمی مرتب تقدیم می کنند و با یک دنیا اخلاص عرضه می دارند:

«ای رسول گرامی، من این مقدار مقروض هستم، به عطیة علیة آن رسول مکرم نیازمندم، مرا از این قرض و دین رها بفرما.»

این گندم تقدیمی را روز ۱۵ ذی قعدة تهیه نموده، از گرد و خاک کاملاً جدا می کنند و در داخل کیسه سفید استفاده نشده ای قرار می دهند، آنگاه در شب معهود (شب ۱۷ ذی قعدة) به مقابل پنجره حجره نبویه آورده، به آستانه مبارکه تقدیم می دارند. خادمان حرم نبوی این کیسه را برمی دارند و به عنوان تبرک به بندگان مخلص و موحد اهدا می کنند و از این رهگذر به عطایای فراوانی نایل می شوند و خدای را سپاس می گویند.

تقدیم کنندگان این گندم، بدون استثنا، مشمول عنایات اسرار آمیز حضرت رسالت پناه قرار می گیرند و هدایای نقدی ارزشمندی به دست آنها می رسد که به راحتی قرض های خود را ادا می کنند. این هدایا بیشتر از کسانی به دست آنها می رسد که اسم آنها را در طول زندگی نشنیده اند.

این شیوه به قدری همگانی است که اگر کسی خود را مقروض بنموده، برای ادای دین خود در این مراسم شرکت نکند، در نظر مردم از افراد عاجز و ناتوان به شمار می آید.

داستانی اعجاب انگیز

یکی از ساکنان هجرت سرای پیامبر گرامی ﷺ، در یکی از سال ها، در مراسم نیایش و عرض ارادت به ساحت قدس نبوی حضور نیافت و چیزی از عنایات بی کران آن حضرت تقاضا نکرد. یک سال تمام با قناعت زندگی کرد و در صدد استقراض از کسی برنیامد و با همسر خود قرار گذاشت که به اندک بسنده کنند و در شب ۱۷ ذی قعدة در آن مراسم شرکت نکنند.

شب ۱۷ ذیقعدہ فرا رسید و او طبق قرار در مسجد حضور نیافت، ولی دیگر شهروندان، از بزرگ و کوچک در این مراسم حضور یافته، با تقدیم مقداری گندم ادای دیون خود را از پیشگاه حضرت رسالت پناه تقاضا نمودند. او نیز در گوشه خانه اش خزیده، با خود چنین گفت: «الحمد لله ما راه قناعت پیشه ساختیم و دست نیاز به سوی پیامبر خدا دراز نکردیم!» وی این سخن را در دل خود حدیث نفس می‌کرد و به خود می‌بالید، تا سرانجام خوابش برد. در عالم رؤیا مشاهده کرد که در حرم نبوی، همه اهالی از عالی و دانی گرد آمده‌اند و مجلس بسیار باشکوهی برپاست. در صدر مجلس تخت بسیار با عظمتی نهاده شده، وجود اقدس نبی مکرم با شکوه زاید الوصفی بر فراز آن نشسته، به فرد فرد اهالی مدینه بذل مرحمت می‌کنند و همگان را مورد لطف و نوازش قرار می‌دهند.

پس از مدتی به شاه ولایت، میر هدایت، مولای متقیان امیر مؤمنان علیه السلام فرمان داد تا دفتری را که در دست پر انورش دارد بگشاید و اسامی افرادی را که با تقدیم کیسه گندم، ادای دیون خود را خواستار شده‌اند بخواند.

هرکس بتواند در مدینه بمیرد، در آنجا بمیرد، که من از هرکسی که در مدینه بمیرد شفاعت می‌کنم

امیر مؤمنان اسامی فرد فرد آنان را قرائت نموده، عرض می‌کرد: «یا رسول الله امت و مجاور کوی تو، فلانی پسر فلانی، این مقدار قرض دارد، از محضر انورت ادای دیون خود را مسألت نموده، به خزانه کرم و رحمت شما امید بسته است».

پیامبر گرامی برای فرد فرد آنان، فرمان «پرداخت شود» صادر می‌کرد، آنگاه امیر مؤمنان روی اسم هر فردی دستور پرداخت آن را ثبت می‌کرد.

سپس مولای متقیان نام این فرد محروم را بر زبان آورد، رسول گرامی فرمود: «او که به ما نیاز ندارد و چیزی از ما مطالبه نکرده است، ولی چون از سال گذشته ۱۰۰ غروش به گندم فروش قرض دارد و گویی آن را فراموش کرده است، آن یکصد غروش قرض او نیز پرداخت شود».

در حالی که مولای متقیان فرمان پیامبر گرامی را در آن دفتر ثبت می‌کرد، او با یک



دنیا وحشت و اضطراب از خواب پرید، با یک دنیا شرمندگی صورت خود را بر زمین سایید و با شتاب فراوان به سوی مسجد مقدس نبوی شتافته، به پیشگاه انور حضرت پیغمبر عرضه داشت: «امان، یا رسول الله، نه تنها من، بلکه همه کاینات نیازمند این در و این آستانند».

آنگاه صدای خود را به گریه بلند کرد و از سویدای دل استغفار کرد، دیگر سعی بلیغ داشت که همه ساله خود را بدهکار سازد و ادای دیون خود را از محضرت رسالت پناه مطالبه نماید.

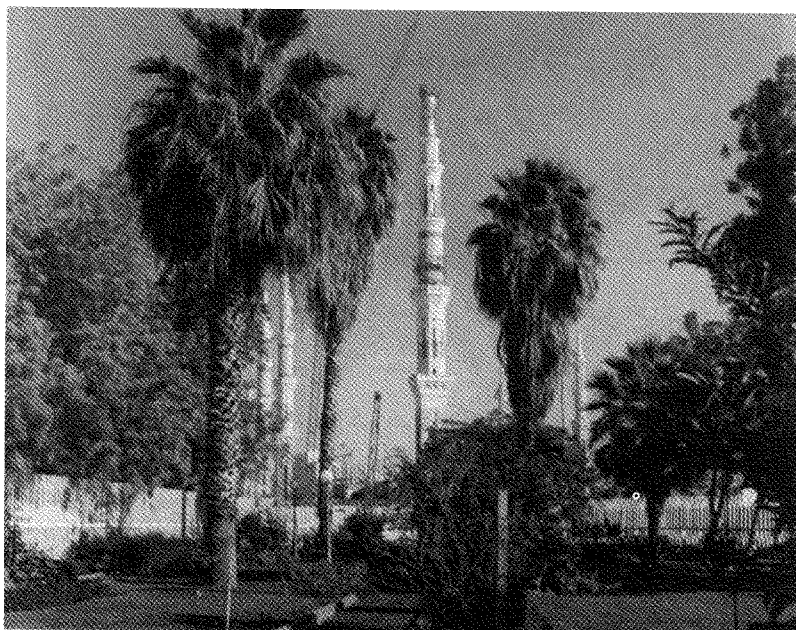
این داستان در میان اهالی مدینه متواتر است و همه اهالی این شهر بر صحت آن اعتقاد راسخ دارند و از عالی و دانی، خود را بدهکار می دانند و در شب موعود به محضر آن حجّت معبود می شتابند و از الطاف بیکران و عنایات بی پایانش مسعود برمی گردند. اهالی مدینه از زن و مرد، توانمند و مستمند و خرد و کلان، به این شیوه مرضیه عمل می کنند، حتی اگر فرزندی در گهواره دارند از طرف او نیز کیسه ای تهیه کرده به حرم انور نبی مکرم تقدیم می دارند.

کسانی که مقروض هستند، به تعداد قرض های خود، گندم تقدیم می کنند؛ یعنی اگر یکصد قروش قرض دارند، یکصد عدد دانه گندم در کیسه می نهند. اهالی مدینه به هنگام تقدیم کیسه ها، آیاتی را قرائت می کنند و معتقدند که قرائت این آیات در آن هنگام الزامی است و اکنون متن و ترجمه آیات یاد شده:

لجأت و إنسي ذاهل العقل خائر
بذمة مسكين لديق مجاور
و مالي من مالٍ و عجزني ظاهر
ببابك مطروح أفضلك ناظر
و أقسم بالرحمان إنك قادر
فبابك مقصودي و فضلك غامر
و أنت على الأكوان ناهٍ و أمر
و ما حنّ مشتاق إليك زائر

إليك يا رسول الله يا أشرف الورى
أريد فكاكاً من ديون تعلقت
و أصحاب هذا الدين للدين يطلب
قليل إحتيال لا اطيعك تكسباً
فكك يا رسول الله اذمة كربتي
أغثني أغثني يا شفيع بنظرة
و أنت رسول الله خيرة خلقه
عليك صلوات الله ما ذكر الحمى

- (۱) ای رسول گرامی، ای اشرف کاینات، من با دست تهی و عقل پریشان به درگاهت پناه آوردم.
- (۲) از پیشگاهت می‌طلبم که این مسکینِ مجاورِ حرم شریف را از دیونی که بر گرده‌اش سنگینی می‌کند، برهانی.
- (۳) طلبکارها پرداخت این دیون را از من می‌طلبند، من چیزی ندارم که به آنها بپردازم و ناتوانی‌ام روشن است.
- (۴) با توان اندک، قدرت تهیه آن را ندارم، حاجتم را به درگاهت آورده، چشم امید به آستانت دوخته‌ام.
- (۵) ای نبی مکرم، غم و اندوهم بزدای، به خدا سوگند که به گشودن مشکلاتم توانایی.
- (۶) ای شفیع امت، مرا دریاب و با نگاهی پناهم ده که آستانت مطلوب و مقصود من است و فضل و کرمات فراگیر.
- (۷) ای رسول گرامی، تو بهترین آفریده آفریدگار و فرمانروای جهان آفرینشی.
- (۸) درود بیکران حضرت حق بر شما باد، تا روزی که مجاور شیفته‌ای از شما یاد کند و زائر دلباخته‌ای به زیارت حریمت پرگشاید.



یک هشدار

یک فرد ضعیف‌العقیده‌ای این سنت متداول (اهدای گندم) را بدعت تلقی کرده، مردم را از انجام دادن آن نهی می‌کرد و می‌گفت: «از این بدعت چه حاصلی به دست می‌آید؟!»

او به هر فردی از اهالی مدینه می‌رسید با اصرار از او می‌خواست که از تقدیم گندم و شرکت در مراسم شب ۱۷ ذیقعدہ خودداری نماید.

شبی در عالم رؤیا به محضر مقدس حضرت ختمی مرتبت رسید و در آن عالم مشاهده نمود که صاحبان هدایا به محضر آن حضرت شرفیاب شده، مورد عنایت خاص حضرتش قرار گرفته‌اند.

او دید که اسامی فرد فرد آنها خوانده می‌شود و عطایای حضرت نبوی به آنها اعطا می‌گردد.

**«هرگز به اهالی آن بلده طیبه دست‌درازی
و زبان‌درازی مکن، که حضرت حق تعالی
در یک لحظه تو را نابود می‌کند.»**

او نیز به امید عنایتی، گامی جلوتر نهاده، به محضر انور رسالت پناه عرضه داشت: «به این کمترین نیز عنایتی فرماید.»

یک مرتبه مورد عتاب قرار گرفت و این‌گونه پاسخ شنید: «تو نه تنها خود را بی‌نیاز می‌دانی، دیگران را نیز از انجام این عمل منع می‌کنی و اعتقاد سالم آنها را به باد مسخره می‌گیری و جسورانه به این عمل جاهلانه اقدام می‌کنی.»

از این هشدار و نکوهش حضرت به شدت متأثر گشته، با وحشت و اضطراب از خواب پرید، از کردار خود نادم شد و برای جبران آن با هرکسی که مصادف می‌شد، داستان خوابش را بیان می‌کرد و او را به شرکت در این عمل تشویق می‌نمود.

لزوم مهر و رزی به اهالی مدینه

اهالی مدینه از عالی و دانی، لازم الاحترام هستند؛ زیرا اگر عاصی و گنهکار هم





باشند، شرف مجاورت اشرف کاینات ایجاب می‌کند که حق مجاورت آنها رعایت شود. پیامبر خدا ﷺ در رابطه با حقوق همسایگان می‌فرماید:

«مَا زَالَ جِبْرِئِيلُ ﷺ يُوصِينِي بِالْجَارِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيَرُّهُ».

«جبرئیل امین آن قدر مرا در مورد همسایه توصیه کرد که گمان کردم همسایه را وارث همسایه قرار خواهد داد.»^{۲۲}

اگر رعایت حقوق همسایگان ما تا این حد مهم باشد، رعایت حقوق همسایگان پیامبر ﷺ چه قدر مهم خواهد بود؟! روی این بیان، باید حریم آن حضرت در مورد مجاوران کویش رعایت گردد؛ زیرا در مورد آنان وعده شفاعت ویژه از آن حضرت روایت شده است، آنجا که می‌فرماید:

«مَنْ اسْتَطَاعَ أَنْ يَمُوتَ بِالْمَدِينَةِ فَلْيَمُتْ بِهَا، فَإِنِّي أَشْفَعُ لِمَنْ يَمُوتُ بِهَا».

«هرکس بتواند در مدینه بمیرد، در آن جا بمیرد، که من از هرکسی که در مدینه بمیرد شفاعت می‌کنم.»^{۲۳}

روی این بیان به شرف اسلام و فضیلت مجاورت نبی گرامی ﷺ مشرف شود و در هجرت سرای آن حضرت دیده از جهان فروبندد، طبق وعده آن حضرت مورد شفاعت شفیع‌المدنیین، سیدالمرسلین، حضرت ختمی مرتبت قرار خواهد گرفت. براین اساس، احترام و اظهار محبت به ساکنان مدینه منوره بر هر مسلمانی شایسته و ضروری است.

احترام به اهالی مدینه، تجلیل و احترام به ساحت قدس نبوی محسوب است، و لذا سلاطین اموی، عباسی، ایوبی و عثمانی همواره حرمت اهالی مکه و مدینه را رعایت می‌کردند.^{۲۴}

روی این جهت خلفای عثمانی آثار خیریه فراوانی در حریم شریفین از خود به یادگار نهادند و برای اهالی مکه و مدینه حقوق، عطایا و موقوفاتی معین کردند که همه‌ساله به صورت منظم به آنها تقدیم می‌گردد.

خدمات برجسته‌ای که برای حفظ آسایش و آرامش اهالی مدینه، از شر مهاجمان بدوی، از سوی دولت عثمانی ارائه می‌شود، جای بسی تقدیر و ستایش است.

در عهد سلطان عبدالمجید^{۲۵} مسجد نبوی رو به خرابی نهاد، او فرمان لازم الاجرائی صادر کرده، براساس آن، مسجد نبوی از پایه برداشته شده، بنای فعلی در مدت ۱۲ سال، مطابق فرمان همایونی ساخته شد. طبیعی است با این خدمت شایسته، روح مقدس نبوی قرین سرور و ابتهاج خواهد بود.

میهمان‌نوازی اهل مدینه

با توجه به عنایات ویژه رسول گرامی نسبت به اهالی مدینه، که از احادیث فراوان استفاده می‌شود، ابراز محبت و موذت به آنان بر هر فرد مسلمان لازم و ضروری است؛ زیرا هر مسلمانی باید آنچه راکه پیامبر خدا ﷺ دوست می‌دارد، دوست بدارد و هر چیزی راکه آن حضرت دشمن می‌دارد دشمن بدارد.

ما هر خدمتی در برابر اهالی مدینه انجام دهیم، هرگز نمی‌توانیم محبت و عطفوت آنان را جبران کنیم؛ زیرا اگر ما سالی یک‌بار هدیه و عطیه‌ای به آنها تقدیم می‌کنیم، آنها هر روز پنج بار در اوقات نماز در حرم نبوی برای ما دعا می‌کنند و در طول سال زائران حرم شریف را مورد لطف و مرحمت خود قرار می‌دهند.

اگر در موسم حج، در خانه‌ای از حجاج خانه خدا پذیرایی نشود، همگان او را مورد سرزنش قرار می‌دهند و می‌گویند: «اگر تو آدم سعادت‌مندی بودی، شماری از زائران خانه خدا را به خانه‌ات می‌آوردی و اطعام و احسان می‌کردی.»

اهالی مدینه تا سرزمین «جُزْف»^{۲۶} به استقبال حجاج می‌روند و آنها را به منازل خود فرا می‌خوانند.

محبت اهالی مدینه نسبت به زائران حرمین شریفین به قدری است که کودکان در کوچه‌ها برای زائران اشعار خوانده، مراتب محبت و علاقه خود را به آنان ابراز می‌دارند. اهل مدینه در موسم حج و غیره، هر زائری را ببینند به منزل خود دعوت کرده، در اطعام و احسان به آنها از یکدیگر سبقت می‌جویند.

زن و مرد از اهالی مدینه، دل زائران را شاد می‌کنند و از آنان دلجویی می‌کنند، حتی اگر امکانات مادی نداشتند، قرض کرده، در میهمان‌نوازی کوتاهی نمی‌کنند.

اگر زائران هدایایی به آنها تقدیم کنند، این هدایا با خدماتی که آنها ارائه می‌دهند

به هیچ وجه قابل مقایسه نیست.

مؤلف به سال ۱۲۸۹ ه. ق. به مدت یک هفته به همراه نه نفر از دوستان، در منزل پسر نقیب الاشراف، سید محمد علوی بافقی میهمان بودم. این سید جلیل القدر هر روز دوبار سینی پر از غذا می آورد. بر اساس محاسبه‌ای که انجام شد، هر سینی غذا ۱۳۲ غروش هزینه برمی داشت.

در طول اقامت ما در مدینه منوره، این سید بزرگوار لحظه‌ای از ما دور نشد و در زیارت اماکن مقدسه با ما همراهی کرد و هیچ مکان زیارتی را فروگذار نشد. آگاهی از مجاری حالات اهالی مدینه و آشنایی با عواطف و احساسات والای آنان، یک معاشرت طولانی و ارتباط تنگاتنگ می طلبد. کسانی که چند روز در این شهر مقدس اقامت می کنند، هرگز با دقایق و لطایف موجود در آن شهر آشنا نخواهند شد.

دل اوزاتما، آل اوزاتما اهلنه اول بلده نک

طوز گیبی بردمده محور ایدر جناب حق سنی

«هرگز به اهالی آن بلدة طیبه دست درازی و زبان درازی مکن، که حضرت حق تعالی در یک لحظه تو را نابود می کند.»^{۲۷}

○ پیانوشت‌ها:

۱. اشاره به آیه کریمه: ﴿...رِحْلَةَ الشَّاءِ وَالصَّيْفِ﴾؛ سفر زمستانی و تابستانی (قریش: ۲)، در باره دو سفر اهل حجاز: ۱- سفر تابستانی به دمشق ۲- سفر زمستانی به یمن می باشد، که تنها وسیله امرار معاش اهل حجاز بود. بعد از بعثت نبی مکرم، در اثر عزیمت مسلمانان از همه اقطار و اکناف به این سرزمین، از آن سفرهای دور و دراز، با امکانات محدود و خطرهای فراوان راه، بی نیاز شدند. (تفسیر برهان، ج ۱۰، ص ۴۲۴).
۲. حزیران (ژوئن) ششمین ماه میلادی، برابر با ۱۱ خرداد تا ۹ تیر ماه و تموز (جولای) هفتمین ماه میلادی، برابر با ۱۰ تیر ماه تا ۹ مرداد است.
۳. آغسطس (اوت) هشتمین ماه میلادی، برابر با ۱۰ مرداد تا ۹ شهریور است.
۴. کانون اول (دسامبر) دوازدهمین ماه میلادی، برابر است با ۱۰ آذر تا ۱۰ دی ماه.



۵. کانون ثانی (ژانویه) اولین ماه میلادی، برابر با ۱۱ دی ماه تا ۱۱ بهمن است.

۶. رُومر، منجم مشهور دانمارکی، به سال ۱۶۴۴م. در کپنهاک دیده به جهان گشود و به سال ۱۷۱۰م. درگذشت. او برای کشف سرعت نور و تعیین دقیق محل اجرام سماوی، دوربینی اختراع کرد. (شمس‌الدین سامی، قاموس الاعلام، ج ۳، ص ۲۳۷۷).

۷. شوبات (فوریه) دومین ماه میلادی، برابر با ۱۲ بهمن تا ۹ اسفند می‌باشد.

۸. نیسان (آوریل) چهارمین ماه میلادی، برابر است با ۱۲ فروردین تا ۱۰ اردیبهشت.

۹. مایس (می) پنجمین ماه میلادی، برابر با ۱۱ اردیبهشت تا ۱۰ خرداد.

۱۰. اختلافی که در ارقام این بند با بند پیشین دیده می‌شود، به اختلاف میزان الحرارة «رُومر» با میزان الحرارة «سانتی‌گراد» - مأخوذ از فرانسه، به معنای صد درجه - مربوط می‌شود.

۱۱. ایلول (سپتامبر) نهمین ماه میلادی، برابر با ۱۰ شهریور تا ۸ مهر ماه است.

۱۲. تشرین اول (اکتبر) دهمین ماه میلادی، برابر است با ۹ مهر ماه تا ۹ آبان و تشرین ثانی (نوامبر) یازدهمین ماه میلادی، برابر است با ۱۰ آبان تا ۹ آذر ماه.

۱۳. این همه وفور نعمت در مدینه منوره، به برکت دعای رسول الله ﷺ می‌باشد که عرضه داشت: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ بِالْمَدِينَةِ ضِعْفِي مَا جَعَلْتَ بِمَكَّةَ مِنَ الْبَرَكَةِ»؛ «بار خدا! دو برابر آنچه برکت در مکه معظمه قرار داده‌ای، برای مدینه منوره قرار ده». (سمهودی، وفاء الوفا، ج ۱، ص ۵۳).

۱۴. اُقَه: معادل ۴۰۰ درهم (= ۴۰۰ مثقال) می‌باشد. (شمس‌الدین سامی، قاموس ترکی، ص ۲۱۳).

۱۵. در عصر عثمانی فرمانده لشکر را «میرآلای» و فرمانده دو لشکر را «میرلوا» می‌گفتند. در میان سران ارتش، از میان درجه‌دارانی که عنوان «پاشا» را دارند، «میرلوا» رتبه سوم را دارا می‌باشد. (قاموس ترکی، ص ۱۴۴۱).

۱۶. سلطان عبدالحمید خان، سی و چهارمین پادشاه عثمانی است که در سال ۱۲۹۳ هـ. ق. بر تخت نشست و در سال ۱۳۳۷ هـ. ق. خلع شد. قلعه حمیدیه به فرمان او و به نام او ساخته شده است.

۱۷. غُرُوش واحد پول ترکیه است؛ هر یکصد غرُوش یک لیر است.

۱۸. اِرْدَبْ: پیمانۀ بزرگی است، معادل ۲۴ صاع. (اختر کبیر، ج ۱، ص ۲۵).

۱۹. او قه: از «اُقَه» اخذ شده، هر اُقَه ۴۰۰ درهم می‌باشد.

۲۰. از ریشه «قَتیل»، به معنای نوشیدن چیزی در وسط روز می‌باشد. (لسان‌العرب، ج ۱۱، ص ۳۷۵).

۲۱. علت اصلی انتخاب شب ۱۷ ذی‌قعدة الحرام بر ما روشن نیست، ولی آنچه مسلم است، نبی مکرم ﷺ پیوندهایی با این عدد دارد: (۱) تولد آن حضرت در ۱۷ ربیع‌المولد واقع شده (۲) معراج حضرت در ۱۷ رمضان انجام شده (۳) پیروزی آن حضرت در جنگ بدر نیز در ۱۷ رمضان رخ داده است.

۲۲. صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۲؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۸۵؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۲؛ امالی شیخ طوسی، ج ۲، ص ۱۳۴

۲۳. سمهودی، وفاء الوفا، ج ۱، ص ۴۹، به نقل از ترمذی، ابن‌ماجه و بیهقی.



۲۴. این تعبیر از روی حسن ظن به خلفا بر قلم مؤلف جاری شده، و الا داستان حرّه و جنایات بیرون از وصف یزیدبن معاویه در مدینه منوره، سیاه‌ترین صفحه تاریخ را به این حادثه شوم اختصاص داده است. فشرده این واقعه دلخراش را سمهودی در «وفاءالوفاء بأخبار دارالمصطفی»، ج ۱، صص ۱۳۸-۱۲۵ آورده است.

۲۵. سلطان عبدالمجید خان، سی و یکمین پادشاه عثمانی به سال ۱۲۵۵ هـ.ق. بر تخت نشست و تا سال ۱۲۷۷ هـ.ق. حکم راند.

۲۶. جُزْف؛ در لغت به جایی گفته می‌شود که در اثر عبور سیل، گود شده باشد و نام یک وادی در سه‌میلی مدینه منوره است. (معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۲۸).

۲۷. به مضمون این شعر، احادیث فراوانی از پیامبر خدا ﷺ رسیده که از آن جمله است: «مَنْ أَرَادَهَا بِسُوءٍ أَذَابَهُ اللَّهُ كَمَا يَذُوبُ الْمَلْحُ فِي الْمَاءِ»؛ «هرکس به این شهر اراده بدی کند، خداوند او را ذوب کند، همان‌گونه که نمک در آب ذوب می‌شود». (وفاءالوفاء، ج ۱، ص ۴۴).

